

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۱۸  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۲

## سنجش توان اقتصادی استان‌های ایران برای توسعه منطقه‌ای

علیرضا محمدی

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل ایران

سپیده نوری

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

### چکیده

روش TOPSIS، نشان می‌دهند که استان تهران با امتیاز نهایی ۰/۶۷ در رتبه اول و استان چهارمحال و بختیاری با امتیاز ۰/۱۸ در رتبه آخر توان اقتصادی توسعه منطقه‌ای قرار دارند و تفاوت قابل توجهی از نظر میانگین رتبه‌بندی (۰.۵)، بین استان‌های مختلف کشور وجود دارد. نتیجه اینکه، توان اقتصادی مناطق بر مبنای نماگرهای کلان توسعه منطقه‌ای کاملاً متفاوت است و به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی متناسب با توانمندی‌های اقتصادی در سطح ملی و منطقه‌ای نیاز دارد. در پایان، بر مبنای یافته‌های پژوهش، پیشنهادهایی همانند اجرای برنامه‌ریزی آمایش سرزمین (برنامه‌ریزی فضایی) برای ارتقای توانمندی‌های اقتصادی توسعه منطقه‌ای، ارائه شده‌اند.

تحقق توسعه ملی و اقتصاد مقاومتی، مستلزم شناخت امکانات و توانمندی‌های موجود اقتصادی مناطق مختلف کشور است؛ اما مسئله این است که در برنامه‌ریزی‌های ملی توسعه و در برنامه‌ریزی‌های فضایی، به توانمندی‌های اقتصادی مناطق توجه نمی‌شود. این مسئله، از انجام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مطلوب برای توسعه منطقه‌ای ممانعت می‌کند. شناخت امکانات و توانمندی‌های اقتصادی، برای تدوین و اجرای سیاست‌های توسعه اقتصادی ضروری است. هدف این مقاله شناخت و رتبه‌بندی استان‌های کشور از نظر نماگرهای توسعه اقتصادی است. داده‌های آماری ۷۲ نماگر کلیدی از سرشماری‌های آماری مرکز آمار ایران در بخش حساب‌های ملی و منطقه‌ای استخراج شده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار فضایی مانند آماره موران و روش تصمیم‌گیری چندمعیاره TOPSIS و ضریب تغییرات C.V برای انعکاس پراکنش فضایی، رتبه و چگونگی توزیع نماگرهای اقتصادی منطقه‌ای استفاده شده است. یافته‌های رتبه‌بندی به

**کلمات کلیدی:** حساب‌های ملی و منطقه‌ای، توان اقتصادی، رتبه‌بندی، TOPSIS، استان‌ها، ایران

## مقدمه

مواجهه بوده‌اند و توانمندی‌های مناطق در توسعه عادلانه نادیده گرفته شده است. تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در برخی از مناطق کشور و خالی بودن دیگر مناطق، مسائلی همانند تمرکز جمعیت و رشد نامتقارن منطقه‌ای را به همراه داشته است (زبردست، ۱۳۸۶: ۲۹). با توجه به لزوم دیدگاه آمایشی و فضایی در توسعه مناطق (زیاری، ۱۳۸۷: ۷۸). هنوز اغلب کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، با مسئله عدم تعادل‌های منطقه‌ای، توسعه اقتصادی ناپایدار و فقر مواجه‌اند. با توجه به این که توزیع نامتعادل نماگرهای توسعه اقتصادی، از دلایل عدم تعادل در توسعه مناطق است، لذا، تعیین وضعیت مناطق مختلف از نظر نماگرهای اقتصادی و برآورد توانمندی‌های اقتصادی مناطق مختلف کشور، برای انجام برنامه‌ریزی فضایی (آمایش)، ضروری به نظر می‌رسد. هدف اصلی این پژوهش ارزیابی توان‌های اقتصادی و رتبه‌بندی استان‌های کشور بر مبنای این توانمندی‌ها برای برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای است. این ضرورت مبنای طرح این پرسش‌ها بوده است که وضعیت پراکنش نماگرهای اقتصادی در استان‌های کشور چگونه است؟ از نظر نماگرهای اقتصادی، رتبه هر کدام از استان‌ها چگونه است؟ هدف اصلی این مقاله شناخت و رتبه‌بندی وضعیت استان‌های کشور از نظر شاخص‌های اقتصادی به منظور توجه به توسعه منطقه‌ای با رویکرد درون‌زا و مبتنی بر توانمندی مناطق است. مقاله از پنج بخش اصلی شامل مقدمه، مبانی نظری، روش، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری تشکیل شده است.

## مبانی نظری

### توسعه اقتصاد منطقه‌ای

توسعه به عنوان مبحثی جهانی و بر اساس استانداردهای بانک جهانی عبارت از تغییر ساختاری از اقتصاد مبتنی بر تولید و فرایندی تدریجی در پیشرفت موقعیت بشر که شامل انجام فعالیت برای رسیدن به رشد مادی و تکامل اجتماعی در طول

بحث رشد اقتصادی از دهه ۱۹۳۰ تا به امروز تحولات بسیاری را از لحاظ عوامل مؤثر بر رشد داشته است (عمادزاده و بکتاش، ۱۳۸۴). امروزه تغییرات اقتصادی در هر منطقه از جهان بر سرنوشت اقتصادی و موقعیت حال و آینده اقتصادی سایر مناطق اثرگذار بوده و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد. تفاوت‌های بین‌المللی کشورها نیز در مراحل اولیه عمدتاً بر اساس معیارهای اقتصادی شکل می‌گیرد. تقسیم‌بندی کشورها به پیشرفته، در حال توسعه و عقب‌مانده و تقسیم‌بندی کشورهای جهان به شمال و جنوب نمونه‌هایی از واقعیت اقتصادی در دهه‌های گذشته است (اسلامی، ۱۳۹۱: ۲) در مبنای و سیاست توسعه، عموماً این باور رواج دارد که رشد تولید ناخالص ملی و بالا بردن درآمد سرانه، محور اصلی توسعه است (تقوایی، عبداللهی، ۱۳۸۸). عدالت فضایی به مفهوم توزیع عادلانه و متناسب فرصت‌های توسعه تا حد زیادی با توزیع نماگرهای مؤثر بر توسعه در ارتباط است (اپوستولاچو، ۱۳۹۳: ۳۶) این مسئله، منجر به چالش‌های جهانی در امر برنامه‌ریزی توسعه و تمرکز زدایی منطقه‌ای شده است (پوراحمد و فلاحیان، ۱۳۸۴: ۱۷۶). در کشورهای در حال توسعه، رشد سریع و نامتقارن مناطق، اختصاص غیراصولی منابع و امکانات به مناطق برخوردار و محرومیت سایر مناطق (اسلامی، ۱۳۹۱: ۳) و عدم ارتباط منطقی بین توزیع و تخصیص سرمایه‌گذاری‌ها، باعث افزایش نابرابری اجتماعی و به هم خوردن تعادل‌های محیطی (وینکلر، ۱۳۹۲: ۸۴) و عدم رشد و توسعه منطقه‌ای و نابرابری‌های منطقه‌ای از لحاظ توسعه اقتصادی شده است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲) آشکار است که همواره این وضعیت منجر به فشار سیاسی برای از میان بردن شکاف می‌شود (ضرابی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۵) کشور ایران نیز مانند اکثر کشورهای در حال توسعه، به دلیل داشتن شرایط غیر همگن و امکانات طبیعی متنوع، از این قاعده مستثنا نیست (بختیاری، ۱: ۱۳۸۰) و توسعه مناطق همواره با مسئله عدم تعادل و نا عدالتی در توسعه بخش‌ها و نیز توزیع فضایی فرصت‌های توسعه،

<sup>۱</sup> توانایی اقتصادی متفاوت از قابلیت یا پتانسیل است. توانایی به مفهوم موجودی اقتصادی بالفعل است که یکی از زیربنای توسعه محسوب می‌شود.

زیست پیرامون به تعادل در تمام سطوح و جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی در سطوح عمودی و افقی گسترش یافته است (سرور و اسکویی، ۱۳۹۲: ۵۵). دوگانگی اقتصادی بین مناطق برای دوره‌های زمانی طولانی آثار مخربی بر کارایی اقتصاد ملی به جای می‌گذارد (ضرابی و ایزدی، ۱۳۹۲: ۱۰۶).

### آمایش سرزمین (برنامه‌ریزی فضایی)

آمایش سرزمین، استفاده بهینه و عقلانی به منظور کارکردهای مؤثر اقتصادی و در بحث اجتماعی است (پوراحمد، ۱۳۸۰: ۱۲) که اهداف آن تأکید بر تقسیم کار فضایی است (داداش‌پور و جلالی، ۱۳۹۲: ۲)؛ که خود از اصول اولیه و مهم توسعه پایدار به شمار می‌آید (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۵). برنامه‌ریزی فضایی برای تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا انجام می‌شود. هدف از این تنظیم رابطه، بهره‌برداری منطقی از کلیه امکانات به منظور بهبود وضعیت مادی و معنوی اجتماع است. برنامه‌ریزی فضایی بر دیدگاه فضایی در برنامه‌ریزی توسعه تأکید خاصی دارد و آرمان این دیدگاه توزیع و تقسیم این جمعیت و فعالیت‌های عمرانی در پهنه‌های سرزمین اجرای راهبرد بهزیستی برای فرد و جامعه، استفاده مطلوب از منابع طبیعی و نیروی انسانی در جهت کفایت اقتصادی و اجتماعی است (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۶). امروزه نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی پدیده‌ای فراگیر و در حال گسترش است (UNDP, 2010: 1; Lee 2010)؛ و در ابعاد مختلفی خود را نشان می‌دهند، اما متأسفانه بیشتر مطالعات و توجهات صورت گرفته در طی سال‌های اخیر بر روی ابعاد اقتصادی بوده است (توکلی نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۳). کاهش فقر و نابرابری و تکیه بر عدالت اجتماعی و برابری جغرافیایی از اقدامات اساسی توسعه پایدار است (شماعی و همکاران ۱۳۹۲: ۸۳). دریک تعریف کلی نابرابری عبارت است از تفاوت در میزان برخورداری از مطلوبیت کمیاب (زالی، ۱۳۷۹: ۸۸). نابرابری یکی از مأنوس‌ترین حقایق اجتماعی است و حتی برای سطحی‌نگرترین ناظران امر بدیهی

زمان است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱). توسعه و برنامه‌ریزی برای آن ماهیتی چند بعدی دارد (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۷). معنای توسعه تا دهه ۱۹۶۰ تداوم رشد اقتصادی بود که با رشد تولید ناخالص ملی و درآمد سرانه (GNP) اغلب کشور سنجیده می‌شد در اقتصاد، مفهوم توسعه به معنای بررسی معیارها و روش‌های تخصیص منابع کمیاب به منظور برآوردن خواسته نامحدود جوامع بشری به صورت بهینه است (اسلامی، ۱۳۹۱: ۴۲). لذا توسعه اقتصادی، ظرفیت تولیدی، نهادهای تولید و توزیع، کیفیت محصولات و نیز تنوع آن‌ها برمی‌گردد (سلیمی فر، ۱۳۸۰: ۲۵). مفهوم امروزی توسعه، برخورداری عادلانه همه از مواهب و فرصت‌های توسعه است (صرافی، ۱۳۷۹: ۲۹). یکی از واقعیت‌های توسعه که دارای نمود فضایی است، عدم گستردگی و پراکنش مواهب آن در عرصه جغرافیایی کشورها به گونه‌ای همسان است و این خود مبین ماهیت توسعه، یعنی تمرکز طلب بودن آن است (فال سلیمان و حجتی پور، ۱۳۹۳: ۹۱). در دیدگاه تبیین‌کننده فرایند توسعه منطقه‌ای، موضوع توازن در توسعه و آرایش متعادل فعالیت‌ها در فضا، از اهمیت خاصی برخوردار است (اکبریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۲).

برای رسیدن به توسعه‌ای متعادل و همه‌جانبه که منجر به بهبود زندگی همه انسان‌ها شود نیاز به برنامه‌ریزی مناسب و بهینه در سطح ملی و منطقه‌ای دارد (کارگر و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۴)؛ بنابراین برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای به این مفهوم است که چگونه می‌توان برای ناحیه‌ای که ممکن است شامل چند شهر بزرگ در یک منطقه، استان یا ایالت باشد برنامه‌ریزی کرد تا بتوان در سطح ملی و جهانی به برتری نسبی دست یافت و به هدف بالفعل شدن پتانسیل‌های آن منطقه نائل شد و از این طریق از توازن در پیشرفت و رشد آن منطقه به صورت همگن بهره‌مند گردید (پریزادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). در برنامه‌ریزی منطقه‌ای مفهوم تعادل، امروزه معنای گسترده‌ای به خود گرفته است و از تعادل اکوسیستم‌های طبیعی و تعادل در رابطه انسان با محیط

است. نابرابری نشانه بارز توسعه‌نیافتگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که ثبات سیاسی و همبستگی اجتماعی و عدالت روانی را در اقشار مبتلا به خطر می‌اندازد (سزایی و همکاران، ۱۳۹۰:۱۱). در سطح منطقه ایجاد تعادل منطقی بین مردم یکی از آرمان‌های پسندیده است (معصومی اشکوری، ۱۳۸۵:۵۴)؛ و هم‌چنین نابرابری مشروعیت سیاسی دولت را خدشه‌دار کرده و حاکمیت دولت را به مرور در مسیر نابودی قرار می‌دهد (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۰:۱۳)؛ بنابراین نابرابری فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها و موانع اجتماعی در فضاست و در هر جامعه‌ای می‌تواند جلوه‌های متفاوتی به خود بگیرد (علیزاده، ۱۳۹۰:۱۵). مفهوم نابرابری فراوان مورد استفاده قرار می‌گیرد اشاره به تنوع فرد، مکان یا اشیا دارد. نابرابری‌های فضایی بر اساس معیاری خاص سنجیده می‌شود و ممکن است وضعیت نابرابری‌های سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان به فضایی بر اساس هر شاخص متفاوت باشد: (Stillwell, 2010). اولاً شناخت چنین الگوهایی امکان می‌دهد که کاهش اختلاف فضایی هدف قرار گرفته شود. هر کشوری نیز اشکال خاصی از کاهش اختلافات فضایی را در برنامه دارد، شناخت این الگوها در برنامه‌ریزی‌های ملی می‌تواند مفید واقع شود. دوم آنکه اطلاعات مفید در زمینه پایش نابرابری‌ها در اختیار قرار می‌دهد (فرجی سبکبار، ۱۳۹۱:۸۱).

### پیشینه تحقیق

در زمینه رشد نامتوازن منطقه‌ای به‌ویژه در ادبیات خارجی توسعه، طی چند دهه اخیر توسط بسیاری از اقتصاددانان منطقه‌ای غنی است. سال (۱۹۹۴) آرتور و همکارانش<sup>۱</sup> با بررسی عوامل اجتماعی، اقتصادی و تاریخی و نقش دولت‌ها در سه ناحیه‌ای شهری آتلانتا و پورتلند در یک دوره ۳۰ ساله نتیجه می‌گیرند باوجودی که بیشترین سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در منطقه

آتلانتا صورت گرفت شهر پورتلند از رونق اقتصادی بیشتری برخوردار شده است. آل حسن<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) به بررسی نابرابری منطقه‌ای در کشور غنا پرداخته است. روش تحقیق عمدتاً تجزیه خوشه‌ای و تحلیل عاملی بوده و بر اساس نماگرهای ترکیبی موردنظر کشور غنا به چند منطقه برخوردار، نیمه محروم و محروم طبقه‌بندی شده است (موحد و دیگران، ۱۳۹۰:۴۵). پاستور، پون و سیرینا (۲۰۱۰)، به بررسی نابرابری منطقه‌ای در اسپانیا پرداخته‌اند شواهد نشان می‌دهد که سیاست‌های اقتصادی که جهت افزایش همگرایی میان مناطق برحسب درآمد سرانه صورت می‌گیرد تنها آن‌هایی نیستند که درآمد سرانه جاری را هدف قرار می‌دهند بلکه شاخص‌های دیگر نیز به‌طور معناداری مؤثرند و هر اقدامی که بر امید به زندگی افراد مؤثر باشد به‌طور معناداری می‌تواند به میزان مشخص، اقدامی به عنوان یک منبع همگرایی تلقی شود. نسترن و فتاحی (۱۳۸۸) در پژوهش خود، برای شناسایی ابعاد توسعه در شهرستان‌های استان گلستان با استفاده از آمار ۳۸ نماگر گوناگون در قالب ۹ بخش جمعیتی، اقتصادی، صنعت و معدن و اطلاعات سال ۱۳۸۵ کشاورزی، زیربنایی، آموزشی، فرهنگی، کالبدی، بهداشتی و درمانی و در میان ۱۱ شهرستان، موردبررسی قرار گرفته نتایج به‌دست‌آمده، بیانگر عدم توزیع هماهنگ امکانات و خدمات در شهرستان‌های این استان است. به‌طوری‌که شهرستان‌های گرگان، بندرگز و کردکوی، به لحاظ برخورداری از جمیع امکانات و خدمات، نسبت به سایر شهرستان‌های استان، در رتبه نخست و شهرستان‌های بندر ترکمن، مینودشت، آزادشهر و آق‌قلا در رتبه آخر قرار دارد. اسکندری و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه‌یافتگی شهری- منطقه‌ای در ایران به بررسی چگونگی سطوح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های ایران بر اساس تقسیمات اداری - سیاسی ۱۳۸۵

<sup>2</sup> - Al-Hassan

<sup>1</sup> - Arthur et al.

پرداخته‌اند. شهرستان‌های کشور در چهار گروه توسعه یافته، نیمه توسعه یافته رو به بالا و کمتر توسعه یافته رو به پایین و نهایتاً محروم قرار گرفتند و اختلاف و نابرابری بین استان‌ها افزایش یافته که نشان از اعمال سیاست کلی توسعه بر پایه تئوری‌های قطب مرکز و پیرامون در کشور هست. ضرابی و ایزدی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با استفاده از مدل‌های کمی و مدل ویکور و بهره‌گیری از ۲۲ نماگر به بررسی سطح برخورداری استان‌های کشور پرداخته‌اند نتایج نشان می‌دهد استان تهران با ضریب ۰.۱۰۵ در رتبه اول و استان قم با ضریب ۱.۰۶ در رتبه آخر قرار دارد. زیاری و همکاران (۱۳۸۹) با استفاده از روش تاپسیس به سطح‌بندی و تعیین میزان نابرابری موجود میان شهرستان‌های استان خراسان رضوی پرداخته نتایج پژوهش نشان داد که در سال ۱۳۸۵، شهر مشهد رتبه نخست را به لحاظ میزان توسعه‌یافتگی داشته است همچنین ضریب پراکندگی به دست آمده، ۰.۳ بوده است که خود بیانگر وجود تفاوت و شدت نابرابری در میزان بهره‌مندی از مواهب توسعه است. قائد رحمتی و همکاران (۱۳۸۹) به شناسایی و تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان، در قالب ۲۹ نماگر در بخش‌های آموزشی، بهداشت و درمان، خدمات رفاهی و زیربنایی مربوط به سال ۱۳۸۵، پرداخته‌اند برخی نتایج، بیانگر عدم توزیع هماهنگ امکانات و خدمات در شهرستان‌های استان مذکور است. به طوری که از مجموع ده شهرستان مورد بررسی، شهرستان‌های زاهدان و زابل در تخصیص منابع و امکانات و خدمات در رتبه اول و شهرستان‌های ایرانشهر، سراوان، چابهار، خاش و نیک شهر در رتبه دوم و شهرستان‌های سرباز، کنارک و زهک در رتبه آخر قرار گرفته است. لیلیان و همکاران (۱۳۹۰)، در مقاله با هدف تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه منطقه‌ای در ایران، به ارزیابی میزان توسعه‌یافتگی و تعیین سطوح تمرکز نماگرها می‌پردازند. عبدالله زاده و شریف‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران با استفاده از ۴۱ شاخص که در سه گروه اجتماعی، اقتصادی و زیرساختی هستند به رتبه‌بندی

استان‌های کشور پرداختند و نتایج رتبه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص ترکیبی ابعاد سه‌گانه نشان داد که استان تهران در گروه شاخص‌های اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی، استان خوزستان در گروه شاخص‌های اقتصادی و استان سمنان در گروه شاخص‌های زیرساختی و خدماتی بالاترین رتبه را دارا هستند. در کلیه موارد استان سیستان و بلوچستان پایین‌ترین رتبه را به خود اختصاص می‌دهد. اسلامی (۱۳۹۱) با استفاده از روش تاپسیس و تاکسونومی به تعیین درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور طی دو مقطع ۱۳۸۵-۱۳۷۵ پرداخته نتایج نشان می‌دهد وضعیت توسعه‌یافتگی جامعه در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۷۵ بهبود یافته است، اما شکاف درجه توسعه‌یافتگی بین استان‌های کشور بیشتر شده است. پور اصغر و همکاران (۱۳۹۱)، با استفاده از روش تحلیل عاملی و ۱۳ نماگر به رتبه‌بندی ۲۸ استان کشور از لحاظ میزان توسعه‌یافتگی پرداخته‌اند استان کهگیلویه و بویر احمد، تهران و سمنان به ترتیب رتبه اول تا سوم و کردستان و سیستان و بلوچستان و همدان به ترتیب در رتبه‌های آخر قرار گرفتند. شیخ بیگلو و همکاران (۱۳۹۱) با استفاده از روش LINMAP و بهره‌گیری از نرم‌افزار Matlab به تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها پرداخته‌اند نتایج مطالعه نشان می‌دهد که ایران با مشکل نابرابری‌های منطقه‌ای مواجه است. شایان‌ذکر است که اغلب مناطق محروم و توسعه‌نیافته در قسمت جنوب شرق ایران متمرکز شده‌اند. این مناطق نیازمند بذل توجه کافی و اتخاذ تصمیمات ویژه برای رفع محرومیت‌های موجود هستند و به‌عنوان اولویت اول برنامه‌ریزی توسعه پیشنهاد می‌شوند. رهنمایی و وثوقی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای ایران از منظر اقتصاد سیاسی به تحلیل عوامل واسط در جغرافیای کشور می‌پردازد و این عوامل را در اقتصاد سیاسی فضای ایران در چهار متغیر سیاست‌گذاری اقتصادی دولت، نظام بودجه، ساختار عمومی و توزیع فعالیت اقتصادی دولت می‌پردازد و به این نتیجه رسیده است که متغیرهای میانی اقتصاد سیاسی ایران در انطباق

وبسایت مرکز آمار ایران، جمعیت آن در فروردین ۱۳۹۳ به ۷۷ میلیون و ۳۳۶ هزار و ۹۸۰ نفر رسیده است (مرکز آمار ایران).



شکل (۱): قلمرو پژوهش.

نسبی با بازارهای ناکارآمد منطقه‌ای عامل اصلی در عدم تعادل نظام منطقه‌ای کشور است. پورمحمدی و ولی بیگی در (۱۳۹۴) در پژوهش با عنوان تعیین تمایل نماگرهای کیفیت زندگی و توسعه منطقه‌ای در ایران با هدف بررسی تعامل نماگرهای مختلف کیفیت زندگی و ضریب تأثیر این شاخص‌ها بر توسعه منطقه‌ای و کاهش نابرابری‌ها در میان استان‌های بر اساس شاخص توسعه انسانی به همراه پنج شاخص شامل نرخ اشتغال، میزان مشارکت اقتصادی، دسترسی به آب سالم شهری و روستایی و درآمد متوسط خانوار شهری به سنجش کیفیت زندگی و رشد اقتصاد منطقه‌ای در میان استان‌ها به عنوان نماینده توسعه منطقه‌ای پرداخته‌اند. نتایج حاصله بیان می‌دارند که به‌طور کلی رتبه‌بندی بین استان‌ها برحسب کیفیت زندگی آن‌چنان تغییری نکرده است اما شاخص‌های کیفیت زندگی افزایش را نشان می‌دهد و همگرایی نسبی هم در تحلیل‌های بتا و هم سیگما (به استثنای شاخص اشتغال و مشارکت اقتصادی) مشاهده می‌شود.

## روش پژوهش

### محدوده مورد مطالعه

کشور جمهوری اسلامی ایران سرزمین پهناوری است که ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومترمربع مساحت دارد و در جنوب غربی آسیا، میان کشورهای ترکمنستان، آذربایجان و ارمنستان در شمال؛ افغانستان و پاکستان در شرق؛ و ترکیه و عراق در غرب قرار گرفته است بر اساس آخرین تقسیمات کشوری تا پایان سال ۱۳۹۳، ۲۵۸۹ دهستان و ۱۲۴۳ شهر تشکیل یافته است؛ و بر اساس اطلاعات

**روش گردآوری داده‌ها**  
پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۵ انجام شده و از نظر روش شناسی از نوع توصیفی - تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. داده‌های خام پژوهش شامل آمار مربوط به حساب‌های ملی و منطقه‌ای در شاخص‌های اقتصادی است که به روش اسنادی از مستندات مکتوب مرکز آمار ایران از جمله آمارنامه حساب‌های منطقه‌ای ایران تا سال ۱۳۹۴ استخراج شده‌اند. جامعه آماری پژوهش شامل ۳۱ استان کشور است که برای سنجش و رتبه‌بندی آن‌ها از ۷۲ نماگر، استفاده شده است (جدول ۱). با توجه به پیشینه پژوهش و علی‌رغم تشابه اسمی مقاله، تفاوت این پژوهش این است که قبلاً بر اساس آمار حساب‌های منطقه‌ای، رتبه‌بندی استان‌ها انجام نشده است.

جدول (۱): نماگرهای رتبه‌بندی اقتصادی استان‌های کشور، ۱۳۹۵

ردیف	نماگرها	ردیف	نماگرها
۱	سهام محصول ناخالص داخلی	۳۷	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.معادن
۲	سهام محصول ناخالص داخلی (بدون نفت)	۳۸	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.صنعت
۳	درصد تغییر سهم محصول ناخالص داخلی	۳۹	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.تأمین آب، برق و گاز طبیعی
۴	درصد تغییر سهم محصول ناخالص داخلی (بدون نفت)	۴۰	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.ساختمان
۵	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.کشاورزی، شکار و جنگلداری	۴۱	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها
۶	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.ماهگیری	۴۲	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.هتل و رستوران
۷	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.معادن	۴۳	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات
۸	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.صنعت	۴۴	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.واسطه‌گری‌های مالی
۹	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.تأمین آب، برق و گاز طبیعی	۴۵	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار
۱۰	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.ساختمان	۴۶	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.اداره امور عمومی و خدمات شهری
۱۱	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۴۷	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.آموزش
۱۲	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.هتل و رستوران	۴۸	سهام استان از مصرف واسطه‌ای.بخش.بهداشت و مددکاری اجتماعی
۱۳	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات	۴۹	سهام استان از مصرف واسطه‌ای سایر خدمات عمومی، اجتماعی شخصی و خانگی
۱۴	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.واسطه‌گری‌های مالی	۵۰	درصد تغییرات مصرف واسطه بخش کشاورزی سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع
۱۵	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار	۵۱	درصد تغییرات مصرف واسطه بخش صنعت سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع
۱۶	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.اداره امور عمومی و خدمات شهری	۵۲	درصد تغییرات مصرف واسطه بخش ساختمان سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع
۱۷	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.آموزش	۵۳	درصد تغییرات مصرف واسطه بخش خدمات سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع
۱۸	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.بهداشت و مددکاری اجتماعی	۵۴	سهام استان از ستانده.بخش.کشاورزی، شکار و جنگلداری
۱۹	سهام استان از ارزش افزوده.سایر خدمات عمومی، اجتماعی شخصی و خانگی	۵۵	سهام استان از ستانده.بخش.ماهگیری
۲۰	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده.بخش.کشاورزی، شکار و جنگلداری-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۵۶	سهام استان از ستانده.بخش.معادن
۲۱	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده.بخش.ماهگیری-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۵۷	سهام استان از ستانده.بخش.صنعت
۲۲	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده.بخش.معادن-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۵۸	سهام استان از ستانده.بخش.تأمین آب، برق و گاز طبیعی
۲۳	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده.بخش.صنعت-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۵۹	سهام استان از ستانده.بخش.ساختمان
۲۴	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده.بخش.تأمین آب، برق و گاز طبیعی-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۶۰	سهام استان از ستانده.بخش.عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها
۲۵	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده.بخش.ساختمان-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۶۱	سهام استان از ستانده.بخش.هتل و رستوران
۲۶	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده.بخش.عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۶۲	سهام استان از ستانده.بخش.حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات
۲۷	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده.بخش.هتل و رستوران-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۶۳	سهام استان از ارزش افزوده.بخش.واسطه‌گری‌های مالی

۲۸	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده. بخش حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۶۴	سهم استان از ستانده. بخش. مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار
۲۹	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده. بخش. واسطه‌گری‌های مالی - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۶۵	سهم استان از ستانده. بخش. اداره امور عمومی و خدمات شهری
۳۰	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده. بخش. مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۶۶	سهم استان از ستانده. بخش. آموزش
۳۱	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده. بخش. اداره امور عمومی و خدمات شهری - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۶۷	سهم استان از ستانده. بخش. بهداشت و مددکاری اجتماعی
۳۲	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده. بخش. آموزش - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۶۸	سهم استان از ستانده. سایر خدمات عمومی، اجتماعی شخصی و خانگی
۳۳	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده. بخش. بهداشت و مددکاری اجتماعی - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۶۹	درصد تغییرات ستانده بخش کشاورزی - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع
۳۴	نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده. بخش. سایر خدمات عمومی، اجتماعی شخصی و خانگی - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع	۷۰	درصد تغییرات ستانده بخش صنعت - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع
۳۵	سهم استان از مصرف واسطه‌ای. بخش. کشاورزی، شکار و جنگلداری	۷۱	درصد تغییرات ستانده بخش ساختمان - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع
۳۶	سهم استان از مصرف واسطه‌ای. بخش. ماهیگیری	۷۲	درصد تغییرات ستانده بخش خدمات - سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع

مأخذ: مستخرج از جداول آماری و گزارش‌های حساب‌های ملی و منطقه‌ای، مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴

در این پژوهش برای تفسیر میزان پراکندگی نماگرها از ضریب C.V، برای رتبه‌بندی از روش TOPSIS و برای وزن دهی که بخشی از مراحل تاپسیس است از روش آنتروپی استفاده شده است. از نرم‌افزار EXCEL برای انجام محاسبات آماری و برای تحلیل‌های مکانی و استخراج نقشه‌های نهایی، از نرم‌افزار ARC GIS، 10.3 استفاده شده است.

هریک از نماگرها بر اساس یک سری از تکنیک‌ها، یافته و سپس فاصله گزینه از ایدئال مثبت و منفی محاسبه می‌شود. گزینه منتخب گزینه‌ای است که کمترین فاصله را از ایدئال مثبت و بیشترین فاصله را از ایدئال منفی داشته باشد (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۹۰:۳۶۲).

### الگوریتم روش تاپسیس

روش تاپسیس، ماتریس تصمیم‌گیری را ارزیابی می‌کند که دارای M گزینه و N نماگر است.

گام ۱: تشکیل ماتریس داده‌ها را بر اساس M گزینه و N (۱) -

گام ۲: تشکیل ماتریس استاندارد داده‌ها و نرمالیزه کردن داده‌ها

$$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^m a_{kj}^2}}$$

گام ۳: تعیین وزن نماگرها با استفاده از روش آنتروپی که این روش به‌طور کلی به شرح زیر است:

$$P_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sum_{i=1}^m x_{ij}}$$

و محاسبه مقدار E با استفاده از فرمول زیر:

$$E = -k \sum_{i=1}^n [p_i \times \ln p_i]$$

### فنون پژوهش مدل تاپسیس<sup>۱</sup>

برای رتبه‌بندی بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روش‌های مختلفی وجود دارد که الزاماً جواب‌های یکسانی در پی ندارند. یکی از این روش‌های رتبه‌بندی که دارای قدرت بالایی در تفکیک گزینه‌هاست است فن رتبه‌بندی ترجیحات بر اساس شباهتشان به راه‌حل ایدئال است که به‌صورت اختصار بانام تاپسیس شناخته می‌شود این روش از جمله روش‌های فاصله محور است که اولین بار هوانگ و یون در سال ۱۹۸۱ آن را ارائه کردند پایه نظری این فن بر این رابطه استوار است که ابتدا ایدئال مثبت (بهترین حالت) و ایده آل‌های منفی (بدترین حالت) را برای

<sup>1</sup> TOPSIS



$$(s_i^+) = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^+)^2} \quad (11)$$

گام ۷) تعیین ضریبی که برابر است با فاصله آلترناتیو حداقل،  $(s_i^-)$  تقسیم بر مجموع فاصله آلترناتیو حداقل  $(s_i^-)$  و فاصله آلترناتیو ایدئال  $(s_i^+)$  که آن را با  $(c_i^+)$  نشان می‌دهند.

$$c_i^+ = \frac{s_i^-}{s_i^+ + s_i^-} \quad (12)$$

گام ۸) رتبه‌بندی آلترناتیوها بر اساس مقدار  $(c_i^+)$  که این میزان بین صفر و یک در نوسان است. اگر این مقدار برابر با ۱ باشد، نشانگر بالاترین رتبه و اگر برابر با صفر باشد، نشانگر کمترین رتبه است (بشیری، مهدی. حجازی، طه حسین. محتجب. حسین، ۱۳۹۰: ۱۸۱-۱۷۹).

$$w_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j} \quad (6)$$

گام ۴) تشکیل ماتریس نرمال شده وزن دار

$$A_{ij} = \begin{bmatrix} w_1 r_{11} & w_2 r_{12} & \dots & w_n r_{1n} \\ w_1 r_{21} & w_2 r_{22} & \dots & w_n r_{2n} \\ \vdots & \vdots & \ddots & \vdots \\ w_1 r_{m1} & w_2 r_{m2} & \dots & w_n r_{mn} \end{bmatrix}$$

گام ۵) تعیین فاصله  $i$  امین آلترناتیو از آلترناتیو ایدئال، بالاترین

عملکرد هر نماگر که با علامت، نشان داده می‌شود:  $((8))$  -

$$A^+ = \{(\max v_{ij} | j \in I), (\min v_{ij} | j \in I')\} \quad A^+ = \{v_1^*, v_2^*, \dots, v_n^*\}$$

در ادامه به تعیین فاصله  $i$  امین آلترناتیو حداقل، پایین ترین عملکرد هر نماگر که آن را با نشان می‌دهند، می‌پردازیم:

$$A^- = \{(\min v_{ij} | j \in I), (\max v_{ij} | j \in I')\} \quad (9)$$

$$A^- = \{v_1^-, v_2^-, \dots, v_n^-\}$$

گام ۶) تعیین معیار فاصله‌ای برای گزینه‌ی ایدئال  $(s_i^+)$  و

گزینه‌ی حداقل  $(s_i^-)$

$$(s_i^-) = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad (10)$$

### یافته‌ها و بحث

در این بخش یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های استفاده شده در پژوهش، ارائه شده‌اند. در این راستا تلاش شده است، به‌طور خلاصه به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده شود.

### ضریب تغییرات نماگرها (C.V)

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش که توزیع و پراکندگی نماگرهای پراکندگی مربوط به توسعه اقتصادی کشور چگونه بوده است؟ از ضریب پراکندگی و تغییرات یا CV استفاده شده است. ضریب پراکندگی، نحوه پخش‌شاییش یا توزیع داده‌ها در یک قلمرو جغرافیایی را نشان می‌دهد و مقدار بالای ضریب نشان‌دهنده نابرابری در توزیع نماگرها است (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۹:

(۱۵)

(۱۳) -

$$Cv = \frac{s}{m}$$

CV در این فرمول CV ضریب پراکندگی، S انحراف معیار و M میانگین است. با استفاده از محاسبه انحراف معیار و میانگین

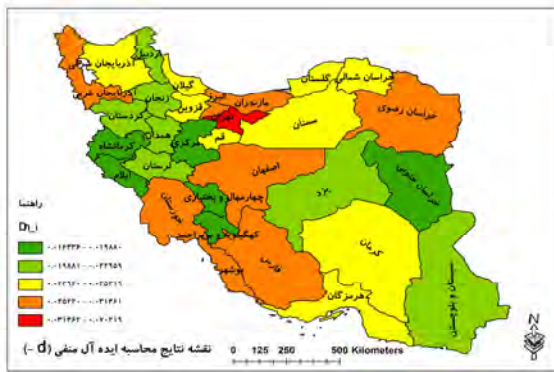
میزان پراکندگی ۴۷ نماگر در بخش اقتصاد در استان‌های کشور محاسبه شد. نتایج به دست آمده نشان داد که بیشترین نابرابری در نماگرهای X28 (نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده. بخش. حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع) با مقدار ضریب ۲۳.۲۱، نماگر X21 (نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده بخش ماهیگیری در سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع) با مقدار ضریب ۱۴۵/۳۱ (سهم استان از ارزش افزوده بخش واسطه‌گری‌های مالی) با مقدار ضریب ۳.۵۰ و کمترین ضریب در نماگرهای X34 (نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده بخش سایر خدمات عمومی، اجتماعی شخصی و خانگی-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع)، X31 (نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده. بخش. اداره امور عمومی و خدمات شهری-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع)، X20 (نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده. بخش کشاورزی، شکار و جنگلداری-سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع) بوده است. (جدول ۲). با توجه به این مسئله که مقدار C.V در ۹۰ درصد از نماگرها بیشتر از ۱ است، این نتیجه به دست می‌آید که نماگرها از توزیع متعادل و متوازی برخوردار نیستند.

جدول (۲): ضریب تغییرات نماگرها (CV)

نماگر	CV	نماگر	CV	نماگر	CV	نماگر	CV
x1	۱.۳۴	x37	۲.۵۳	x19	۲.۲۰	x55	۱.۵۵
x2	۱.۳۹	x38	۱.۲۲	x20	-۱۰.۶۳	x56	۳.۳۸
x3	۳.۳۲	x39	۱.۳۸	x21	۵.۳۱	x57	۱.۲۴
x4	۲.۷۸	x40	۱.۲۸	x22	۹.۴۵	x58	۱.۴۸
x5	۰.۷۱	x41	۱.۰۶	x23	۴.۲۵	x59	۱.۳۰
x6	۱.۵۵	x42	۱.۲۳	x24	-۶.۵۸	x60	۱.۴۱
x7	۳.۴۸	x43	۲.۳۴	x25	۲.۸۹	x61	۱.۴۷
x8	۱.۲۹	x44	۳.۲۷	x26	۲.۵۵	x62	۲.۳۰
x9	۱.۵۲	x45	۱.۵۹	x27	۲.۷۰	x63	۳.۴۲
X10	۱.۳۱	x46	۱.۷۴	x28	۲۳.۲۱	x64	۲.۳۸
x11	۱.۵۴	x47	۱.۹۱	x29	-۰.۷۹	x65	۱.۵۱
x12	۱.۶۸	x48	۱.۳۶	x30	-۲۴.۲۹	x66	۱.۲۵
x13	۲.۲۸	x49	۲.۳۷	x31	-۱۰۹.۱۹	x67	۱.۳۴
x14	۳.۵۰	x50	۰.۲۰	x32	۶.۸۴	x68	۲.۲۴
x15	۲.۵۲	x51	۰.۴۲	x33	-۲۴.۵۶	x69	۰.۱۹
x16	۱.۴۵	x52	۱.۰۹	x34	-۲۵۸.۳۲	x70	۰.۲۶
x17	۱.۱۰	x53	۰.۲۷	x35	۰.۶۶	x71	۱.۰۶
x18	۱.۳۴	x54	۰.۶۸	x36	۱.۵۵	x72	۰.۱۲

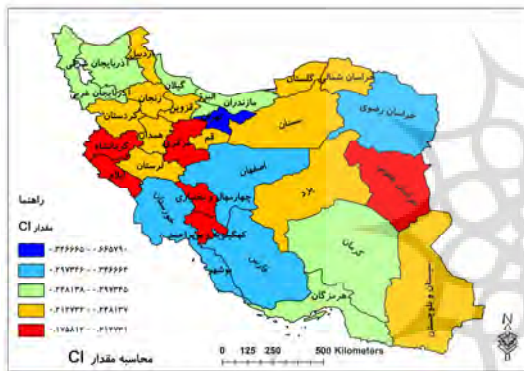
### رتبه‌بندی استان‌ها در نماگرهای توسعه منطقه‌ای

در پاسخ به پرسش سوم پژوهش که از نظر نماگرهای بخش اقتصادی، کدام استان‌ها برخوردار محسوب می‌شوند؟ از مدل تاپسیس استفاده شده است. در پژوهش حاضر استان‌های کشور بر مبنای توان اقتصادی توسعه منطقه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. در مرحله اول از الگوریتم تاپسیس، ماتریس تصمیم‌گیری بر اساس نماگرها تشکیل شد و بی‌مقیاس گردید. در مرحله دوم بر اساس روش آنتروپی، ماتریس بی‌مقیاس وزن‌دار شد و ماتریس بی‌مقیاس موزون به دست آمد. در مرحله سوم اعداد مربوط به راه‌حل ایدئال مثبت (A+) و راه‌حل ایدئال منفی (A-) محاسبه شدند و در ادامه فاصله جدایی گزینه‌ها از راه‌حل ایدئال مثبت (d+) (شکل ۲) و ایدئال منفی (d-) (شکل ۳) محاسبه شدند.



شکل (۳): نتایج محاسبه ایده‌آل منفی (d)

در ادامه مقدار نزدیکی گزینه‌ها به راه‌حل ایده‌آل (CI) محاسبه شدند (شکل ۴).



شکل (۴): استخراج نماگر CI به روش تاپسیس



شکل (۲): نتایج محاسبه ایده‌آل مثبت (d+)

و در نهایت مقادیر به دست آمده به روش تاپسیس و با ترتیب نزولی به صعودی رتبه‌بندی شدند (شکل ۵ و جدول ۳).

جدول (۳): رتبه‌بندی استان‌های کشور بر مبنای توان اقتصادی توسعه منطقه‌ای

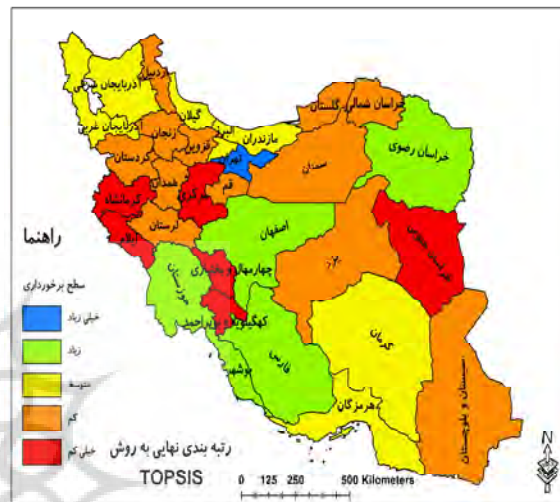
رتبه	CI	d-	d+	استان	رتبه	CI	d-	d+	استان
۱۷	۰.۲۴۳	۰.۰۲۴	۰.۰۷۴	سمنان	۱	۰.۶۶۶	۰.۰۷۰	۰.۰۳۵	تهران
۱۸	۰.۲۴۲	۰.۰۲۳	۰.۰۷۳	قم	۲	۰.۳۷۴	۰.۰۳۱	۰.۰۵۹	خراسان رضوی
۱۹	۰.۲۳۹	۰.۰۲۳	۰.۰۷۳	اردبیل	۳	۰.۳۴۲	۰.۰۳۱	۰.۰۵۹	اصفهان
۲۰	۰.۲۳۶	۰.۰۲۲	۰.۰۷۲	لرستان	۴	۰.۳۲۴	۰.۰۳۰	۰.۰۶۲	خوزستان
۲۱	۰.۲۳۶	۰.۰۲۲	۰.۰۷۳	همدان	۵	۰.۳۱۹	۰.۰۳۰	۰.۰۶۳	فارس
۲۲	۰.۲۲۹	۰.۰۲۲	۰.۰۷۳	سیستان و بلوچستان	۶	۰.۳۰۷	۰.۰۳۱	۰.۰۶۹	بوشهر
۲۳	۰.۲۲۸	۰.۰۲۲	۰.۰۷۳	زنجان	۷	۰.۲۹۷	۰.۰۲۹	۰.۰۶۸	آذربایجان غربی
۲۴	۰.۲۲۵	۰.۰۲۱	۰.۰۷۳	کردستان	۸	۰.۲۹۱	۰.۰۲۷	۰.۰۶۶	مازندران

۲۵	۰.۲۲۴	۰.۰۲۱	۰.۰۷۳	یزد	۹	۰.۲۸۴	۰.۰۲۷	۰.۰۶۸	البرز
۲۶	۰.۲۱۳	۰.۰۲۰	۰.۰۷۳	کرمانشاه	۱۰	۰.۲۷۴	۰.۰۲۵	۰.۰۶۶	آذربایجان شرقی
۲۷	۰.۲۱۱	۰.۰۱۹	۰.۰۷۳	مرکزی	۱۱	۰.۲۶۷	۰.۰۲۵	۰.۰۶۹	کرمان
۲۸	۰.۲۰۶	۰.۰۲۰	۰.۰۷۷	ایلام	۱۲	۰.۲۶۵	۰.۰۲۵	۰.۰۶۸	گیلان
۲۹	۰.۲۰۳	۰.۰۱۹	۰.۰۷۶	کهگیلویه و بویراحمد	۱۳	۰.۲۶۴	۰.۰۲۵	۰.۰۷۰	هرمزگان
۳۰	۰.۱۸۰	۰.۰۱۷	۰.۰۷۷	خراسان جنوبی	۱۴	۰.۲۴۸	۰.۰۲۴	۰.۰۷۲	قزوین
۳۱	۰.۱۷۶	۰.۰۱۶	۰.۰۷۷	چهارمحال و بختیاری	۱۵	۰.۲۴۵	۰.۰۲۴	۰.۰۴۵	خراسان شمالی
					۱۶	۰.۲۴۴	۰.۰۲۳	۰.۰۷۲	گلستان

استان‌های با توانمندی زیاد و استان‌های آذربایجان غربی و شرقی، گیلان، مازندران، البرز، کرمان و هرمزگان دارای توانمندی متوسط و استان‌های قزوین، خراسان شمالی، گلستان، سمنان، قم، اردبیل، لرستان، همدان، سیستان و بلوچستان، زنجان، کردستان، یزد در ردیف استان‌های با توانمندی اقتصادی کم و در نهایت استان‌های مرکزی، ایلام، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی و چهارمحال بختیاری در گروه استان‌های با توانمندی اقتصادی خیلی کم دسته‌بندی شده‌اند؛ به عبارت دیگر از توان اقتصادی خیلی کمتری برای توسعه منطقه‌ای کشور برخوردار هستند. در عین حال، این استان‌ها همانند سایر استان‌های کشور از قابلیت‌های توسعه اقتصادی زیادی برخوردارند که می‌توان از طریق برنامه‌ریزی آمایش سرزمین آن‌ها را به توانمندی اقتصادی تبدیل کرد.

### نتیجه‌گیری

از یافته‌های این پژوهش چند نتیجه روشن به دست می‌آید. نخست اینکه توزیع ناگرای اقتصادی در سطح استان‌های کشور بین مناطق یا نواحی به صورت نابرابر توزیع شده است. به طوری که بیشترین نابرابری در ناگرهای ۲۸x (نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات در سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع)، ناگر ۲۱x (ضریب تغییرات سهم استان از ارزش افزوده بخش ماهیگیری در سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع)، ۱۴x



شکل ۵: رتبه‌بندی استان‌های ایران از نظر توان اقتصادی به روش TOPSIS

نتایج جدول شماره ۳ و شکل ۵، رتبه‌بندی استان‌های کشور با توجه به هدف پژوهش را نشان می‌دهد. بر این اساس، استانی که بیشترین و بالاترین امتیاز را کسب کرده به گزینه ایدئال نزدیک و از شرایط بهتر از نظر توان اقتصادی برخوردارند. در نتیجه از قدرت بیشتری در توسعه منطقه‌ای کشور برخوردارند. برعکس استان‌هایی که رتبه‌های پایین تری کسب نموده‌اند، از توانایی کمتری در توسعه منطقه‌ای برخوردارند. البته این به مفهوم این نیست که آن‌ها قابلیت یا پتانسیل توسعه منطقه‌ای را ندارند، بلکه این قابلیت‌ها تبدیل به فعل و توان اقتصادی نشده است. همچنین نتایج رتبه‌بندی نشان می‌دهند که استان تهران در رتبه نخست توانمندی اقتصادی توسعه منطقه‌ای قرار گرفته است. استان‌های خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان، فارس، بوشهر در ردیف

اسلامی و شیخ بیگلو (۱۳۹۱) مبنی بر شکاف و نابرابری در بین استان‌های کشور همسو است. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه شدنی هستند:

۱- با توجه به توزیع نابرابر نماگرهای اقتصادی، ضروری است قابلیت‌های توسعه مناطق با توانمندی‌های اقتصادی ضعیف مورد توجه بیشتر در سیاست‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای قرار گیرد. از آن جمله می‌باید تلاش شود فاصله توسعه اقتصادی استان‌های زنجان، کردستان، یزد، کرمانشاه، مرکزی، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی و چهارمحال و بختیاری با سایر استان‌های کشور کاهش یابد.

۲- با توجه به تفاوت معنی‌دار و فاصله زیاد در توزیع برخی نماگرها همانند ارتباطات و حمل‌ونقل و تجارت، در سیاست‌های کلان توسعه منطقه‌ای به بخش‌های عقب‌مانده، توجه بیشتری مبدول گردد. به عبارت روشن، با توجه به خلأهای موجود و در عین حال پتانسیل‌های توسعه منطقه‌ای، از نقاط قوت استان‌ها برای کاهش ضعف‌ها استفاده شود.

۳- با توجه به تفاوت زیاد بین تهران با سایر استان‌های از نظر نقش آفرینی اقتصادی، نیاز است با استفاده از برنامه‌ریزی فضایی در سطح ملی و منطقه‌ای و با استفاده مطلوب و پایدار از قابلیت‌های مناطق، آن‌ها را به موزاییک ملی توسعه مبدل نمود. در این رابطه، بیش از گذشته توجه به آمایش سرزمین و آمایش مناطق ضروری است.

#### منابع

۱. اسکندری، م. اسمعیل نژاد، م. (۱۳۸۹). کاربرد تحلیل عاملی در تبیین الگوی فضایی توسعه و توسعه‌نیافتگی و منطقه، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۷، صص ۷-۲۸.
۲. اسلامی، سیف اله. (۱۳۹۱). تعیین و محاسبه درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور طی دو مقطع مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱، صص ۶۸-۴۱.

سهم استان از ارزش افزوده بخش واسطه‌گری‌های مالی) و کمترین ضریب در نماگرهای ۳۴X (نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده بخش سایر خدمات عمومی، اجتماعی شخصی و خانگی در سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع)، ۳۱X (نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده بخش اداره امور عمومی و خدمات شهری در سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع)، ۲۰X (نرخ تغییرات سهم استان از ارزش افزوده بخش کشاورزی، شکار و جنگلداری در سال مرجع نسبت به سال قبل از سال مرجع) بوده است. با توجه به این مسئله که مقدار CV در ۹۰ درصد از نماگرها بیشتر از ۱ است، این نتیجه به دست می‌آید که نماگرها از توزیع متعادل و متوازنی برخوردار نیستند. دوم اینکه با توجه به نتایج رتبه‌بندی استان‌های کشور بر مبنای توان اقتصادی با استفاده از فن تاپسیس استان تهران با کسب رتبه نخست به نوعی نقش پیشتاز را در توسعه ملی بر عهده دارد. در عین حال استان‌های مرکزی، ایلام، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی و چهارمحال بختیاری به رغم داشتن قابلیت‌های بسیار قابل توجه اقتصادی، از فاقد توانمندی قابل توجه در توسعه منطقه‌ای و ملی هستند. به عبارت روشن، وضع موجود نماگرها نشانگر نقش پایین آن‌ها در توسعه اقتصادی منطقه‌ای است.

یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش‌های نسترن و فتاحی (۱۳۸۸) و قائد رحمتی و همکاران (۱۳۸۹) مبنی بر عدم توزیع متعادل فرصت‌های توسعه و امکانات و خدمات هم‌سویی دارد. همچنین، نتایج ضریب پراکندگی نماگرها، با نتایج پژوهش زیاری و همکاران (۱۳۸۹) همسویی دارد. با نتایج پژوهش اسکندری و همکاران (۱۳۸۹) از حیث رتبه‌بندی استان‌های کشور از برخوردار تا محروم هم‌سویی دارد. همچنین با نتایج پژوهش ضرابی و ایزدی (۱۳۸۹) پور اصغر و همکاران (۱۳۹۱) مبنی بر تفوق استان تهران بر سایر استان‌ها در توسعه‌یافتگی همسویی دارد. در نهایت یافته‌های این پژوهش، با نتایج پژوهش

۳. اکبریان رونیزی، سعیدرضا؛ پور جابری، مرتضی محمد، (۱۳۹۲). ارزیابی عملکردی شهرهای میانی در تعادل جمعیت و اقتصاد منطقه‌ای، نمونه موردی: شهر فسا، استان فارس. فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۴۳، (۹)، صص ۵۳-۵۲.
۴. بختیاری، صادق (۱۳۸۰). تحلیل مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های کشور، تهران، موسسه پژوهش‌های بازرگانی.
۵. بشیری، مهدی. حجازی، طه حسین. محتجب. حسین، ۱۳۹۰، رویکردی نوین در تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره، تهران، انتشارات دانشگاه شاهد. بهره‌گیری از مدل سوات، فصلنامه مسکن محیط روستا، شماره ۱۵۰، صص ۸۹-۱۰۰.
۶. پریزادی، طاهر؛ اسدی، صالح؛ مولائی قلیچی، محمد و شیخی، حجت، (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل قابلیت‌های مزایای نسبی توسعه منطقه‌ای در بنادر شمال ایران با استفاده از تلفیق تکنیک‌های ELECTRE و TOPSIS، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شماره ۲، صص ۱۵-۲۹.
۷. پوراحمد، احمد و فلاحیان، ناهید (۱۳۸۴). بررسی روند شکل‌گیری محورهای صنعتی پیرامون شهر تهران با تأکید بر محور کرج-قزوین، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۳، صص ۱۷۳-۱۹۲.
۸. پورمحمدی، محمدرضا؛ ولی بیگی، مجتبی، (۱۳۹۴)، تبیین تعامل نماگرهای کیفیت زندگی و توسعه منطقه‌ای در ایران، فصلنامه مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، شماره ۳۲، سال دوازدهم، صص ۴۳-۵۲.
۹. تقوایی، مسعود؛ عبداللهی، علی اصغر، (۱۳۸۸). طبقه‌بندی و تحلیل خوشه‌ای جایگاه توسعه و میزان محرومیت کشورهای اسلامی با استفاده از نماگر توسعه انسانی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره (۲۴)، صص ۷۵-۲۸۵.
۱۰. توکلی جمیله، کانونی، رضا، خاوریان گرمسیر امیررضا، وحید پاسبان عیسی لو (۱۳۹۳)، تحلیل نابرابری‌های توسعه منطقه‌ای در بخش بهداشت و درمان استان اردبیل، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱-۱۴.
۱۱. حاتمی‌نژاد، حسین؛ پورحسین، حمید؛ محمدپور، صابر و منوچهری میاندوآب، ایوب، (۱۳۹۰). تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرند در سطح شهرستان مرند. مجله پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۴۴، صص ۴۳-۲۳.
۱۲. حاتمی‌نژاد، حسین؛ رجایی، سیدعباس، سالاروندیان، فاطمه، تیموری، ایرج. (۱۳۹۲). ارزیابی تناسب کاربری اراضی از طریق مدل توان اکولوژیک با هدف آمایش سرزمین، فصلنامه آمایش سرزمین، دوره پنج، شماره اول، صص ۲۶-۵.
۱۳. حسین زاده دلیر، کریم؛ صفری، فاطمه (۱۳۹۱). تأثیر برنامه‌ریزی هوشمند بر انتظام فضایی شهر، مجله جغرافیا و توسعه شهری، شماره اول. صص ۱۵-۱.
۱۴. داداش پور، هاشم؛ فتح جلالی، آرمان، (۱۳۹۲). تحلیلی بر الگوی تخصصی شدن منطقه‌ای و تمرکز فضایی صنایع در ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی فضایی، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۸-۱.
۱۵. رهنمایی، محمدتقی؛ وثوقی لنگ، شهروز. (۱۳۹۲). تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای ایران از منظر اقتصاد سیاسی، فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۹، صص ۵۱-۳۳.
۱۶. زنگی‌آبادی، علی، علیزاده، جابر و احمدیان مهدی (۱۳۹۰). تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان آذربایجان با استفاده از مدل، AHP و TOPSIS، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال چهارم، شماره اول، صص ۱۶۹-۱۴۹.
۱۷. زیاری، کرامت‌الله؛ زنجیرچی، سید محمود و کبری سرخ کمال. (۱۳۸۹). بررسی و رتبه‌بندی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ۷۲، صص ۳۰-۱۷.
۱۸. سرور، رحیم؛ خلیجی اسکویی، محمدعلی. (۱۳۹۲). جایگاه شهر قشم در توسعه اقتصاد منطقه‌ای، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره ۵، صص ۶۷-۵۳.
۱۹. سلیمی فر، مصطفی. (۱۳۸۲). اقتصاد توسعه موضوعات منتخب. مشهد: انتشارات موحد.
۲۰. سنگاچین، فرزاد؛ صالحی، اسماعیل و مرتضی دیناروندی. (۱۳۹۱). مجله آمایش سرزمین، دوره ۴ شماره ۵، صص ۲۶-۲.

۲۱. شماعی، علی؛ تابعی، نادر و حمیدی، محمد سعید (۱۳۹۲)، به کارگیری روش، الکترودر رتبه‌بندی مناطق شهر اهواز، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره هجدهم، شماره ۱، صص ۵۲-۲۵.
۲۲. شیخ بیگلر، رعنا، تقوایی، مسعود، حمیدرضا وارثی (۱۳۹۱) تحلیل فضایی محرومیت و نابرابری‌های توسعه در شهرستان‌های ایران فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص ۲۰۰-۱۸۹.
۲۳. صرافی، مظفر، (۱۳۷۹). مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای. چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
۲۴. ضرابی اصغر؛ موسوی، میرنجف، (۱۳۸۸). بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه‌ای مطالعه موردی: استان یزد، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره ۳۲، صص ۱۸-۱.
۲۵. ضرابی، اصغر، ایزدی، ملیحه. (۱۳۹۱) تحلیلی بر توسعه منطقه‌ای استان‌های کشور، مجله علمی پژوهشی جغرافیا (فضایی) سال سوم، شماره ۳، پیاپی ۸، صص ۱۱۶-۱۰۶.
۲۶. ضرابی، اصغر؛ وارثی، حمیدرضا و علی زاده، جابر. (۱۳۹۱) کاربرد تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی در ارزش‌گذاری و تحلیل فضایی نماگرهای توسعه (مطالعه موردی: استان اردبیل). تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، شماره ۱۲، صص ۱۲۵-۹۷.
۲۷. عبدالله زاده، غلامحسین؛ شریف‌زاده، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای در ایران. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، شماره ۴، صص ۶۲-۴۱.
۲۸. علیزاده، یوسف. (۱۳۹۰). تحلیل و سطح‌بندی توسعه‌یافتگی آموزشی نواحی نمونه موردی اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه محقق، اردبیلی، اردبیل.
۲۹. عماد زاده، مصطفی، بکتاش، فروزان (۱۳۸۴). اثر آموزش بر ارزش‌افزوده بخش صنعت. مجله دانش و توسعه، شماره ۱۶، صص ۵۰-۳۷.
۳۰. فال سلیمان، محمود؛ حجی پور، محمد (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی استراتژیک بخش‌های اقتصادی در راستای توسعه منطقه‌ای با بهره‌گیری از مدل سوات، (۱۳۹۳) فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۰، ۱۰۰-۸۹.
۳۱. فرجی سبکبار، حسنعلی. (۱۳۹۱). تحلیل نابرابری‌های فضایی سکونتگاه‌های روستایی ایران، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱ پیاپی ۱، ۸۳-۱۰۰.
۳۲. قائد رحمتی، صفر؛ خادم‌الحسینی، احمد و علی محمدی فر. (۱۳۸۹). تحلیلی بر درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان. آمایش محیط، شماره ۹، ۱۱۳-۹۷.
۳۳. قنبری، یوسف، برقی، حمید، حجاریان، حمید. (۱۳۹۰). سنجش توزیع فضایی مؤلفه‌های صنعتی شهرستان‌های استان اصفهان، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی، سال اول، شماره اول، صص ۱۷-۳۶.
۳۴. کارگر، بهمن؛ سرور، رحیم، (۱۳۹۱). شهر، حاشیه و امنی اجتماعی. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۳۵. لیلیان، رضا؛ رخشانی نسب، حمیدرضا و رمضان زاده، رقیه. (۱۳۹۰). تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه منطقه‌ای در ایران. فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، شماره ۳، صص ۱۱۲-۹۵.
۳۶. مؤمنی، مهدی؛ مبارکی، امید و جنابی، نرگس. (۱۳۹۲). آمایش سرزمین و مدیریت توسعه فضایی مطالعه موردی شهرستان ملکان، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۵۶-۴۵.
۳۷. مرکز آمار ایران (۱۳۹۴). گزارش‌های آماری حساب‌های ملی و منطقه‌ای ایران. گزارش داخلی.
۳۸. موحد، علی، فیروزی، محمدعلی، روزبه، حبیبیه. (۱۳۹۰). تحلیل درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۲، شماره ۵، ۵۶-۴۳.
۳۹. نسترن، مهین و فتاحی، سارا. (۱۳۸۸). سطح‌بندی شهرستان‌های استان گلستان از نظر نماگرهای توسعه‌یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی. نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی. شماره ۱، صص ۵۵-۴۳.
۴۰. نصرالهی، خدیجه؛ اکبری، نعمت‌اله، و حیدری، مسعود. (۱۳۹۰). تحلیل مقایسه‌ای روش‌های رتبه‌بندی در اندازه‌گیری

45. Lees, N. "Inequality as an Obstacle to World Political Community and Global Social Justice", Oxford University, Paper to be Presented at the SGIR, 7th Annual Conference on International Relations, Sweden, September 9-11th,

46. Pastor, m. jose. pons, mpar. Serrano, Lorenzo. (2010) Regional inequality in Spain: permanent income versus current income. Ann regsci, 44, 121-145.

47. Stillwell, J. et al, (2010), Spatial and Social Disparities, in: J. Stillwell et al. (eds.), Spatial and Social Disparities, Understanding Population 1 Trends and Processes 2, DOI 10.1007/978-90-481-8750-8\_1,

Winkler, A. (2012). Measuring regional inequality: an index of socio-economic pressure for Serbia. Zbornik radova Geografski fakultet Univerzitetu Beogradu, N 60, pp: 81 -102.

توسعه یافتگی مطالعه موردی شهرستان‌های استان خوزستان، آمایش سرزمین، سال ۳، شماره ۴، صص ۲۳-۱۲.

41. Alhasan, P.M. (2007). Regional disparities in Ghana: policy option and public investment implication

42. Apostolache, M. A. (2014): Regional Development in Romania-From Regulations to Practice. Procedia Economics and Finance, 8, 35-41.

43. Hilhorst, J. G. M. (1971). Regional Planning: A System Approach. Rotterdam University Press

44. Izabella, S. K. Zsófia, V. (2011). Analyzing spatial distribution of knowledge-intensive industries in Hungary at sub-regional level. ERSA conference

